



در مغرب زوال مادی نیز شروع شد و از آن بعد کاروانهای بزرگ تجارتي که از آن سو رفت و آمد میکردند ترک آمد و شد کردند و ممالک خاور میانه دچار فقر و فاقه شدند. علاوه بر آن یک انحطاط معنوی نیز در حیات روحانی ممالک اسلامی رخ داد. عبدالحمید آخرین خلیفه امپراطوری عثمانی کوشش بسیار کرد که حیات نوینی باسلام ببخشد چون نوبت به ترکیه جدید رسید دستگاه خلافت را برچید بدین ترتیب عظمت جدید ترین مذاهب بزرگ عالم یعنی اسلام بیابان رسید.

اما بعد از جنگ گذشته پیشوای جدیدی در صحرای عربستان ظهور کرد وی عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل بن سعود پادشاه نجد و حجاز و امام و هابیهها بود. امروز تمام انظار مسلمانان متوجه مکه پایتخت جدید ابن سعود و مرکز اقتدار اسلامی است.

شرح این نهضت پهناور در کتاب «اسلام امروز» (۱)

تالیف ا. ج. «اربری» و «رم لاندو» مندرج است. این کتاب مجموعه ایست که کلیه قسمتهای آن توسط اشخاص با اطلاع در فن خود نوشته شده است. مثلاً «فریا استارک» در باب عراق «رم لاندو» راجع بامپراطوری ابن سعود «سراتر و جوپ» در باره فلسطین و «ماوراء اردن» «دکتر طه حسین» نسبت به مصر و «هگ شون فیلد» راجع به لیبی

در آن کتاب مقاله نوشته اند. در خصوص ممالک غیر عرب نیز اشخاص مطلع انتخاب شده اند «سر پرسی سایکس» راجع به افغانستان و میس لاهبتون راجع بایران چیز نوشته اند «ایا ممالک اسلامی تا چه حد در تحت نفوذ مغرب زمین واقع شده است؟ امال و ارزوهای اسلامیان چیست؟ تا چه حد نفوذ مذهب هنوز در اداره آن ممالک محسوس است؟ نظریه آنها نسبت بجنگ فعلی چیست؟»

این نکته خالی از اهمیت نیست که حتی ملیت و وطن پرستی اعراب هم رنگ دینی و صبغه اسلامی دارد و با این وصف خیلی مشکل بنظر میرسد که وطن پرستی و ملیت اعراب که غایت آن

هشتم ژوئن ۶۳۲ در شهر مدینه ابوبکر از کلبه محقر دختر خود عایشه که زن محبوب پیغمبر بود خارج شده رو بعهدهای (که در آنجا مجتمع بودند و باور نداشتند که پیغمبر خدا رحلت کرده باشد) نموده چنین گفت: «ای مردم اگر به محمد اعتقاد دارید بدانید که وی دارفانی را وداع گفت و خداوند همیشه جاودانی است.» بدین طریق مردم بفوت محمد مؤسس و بانی دین اسلام یقین حاصل کردند وحشتی همه را فراگرفت چه گمان داشتند که اسلام بآخر رسیده است. اما اینطور واقع نشد زیرا حضرت محمد بنیان بنای اسلامی را بر روی پایههای مستحکم ایمان و نظم و ترتیب استوار کرده بود.

ابوبکر که خارج از کلبه ایستاده بدین ترتیب فوت پیغمبر اسلام را اعلام کرد یکی از محترمین صحابه بود که بعد از فوت حضرت محمد به مقام خلافت یعنی نمایندگی پیامبر خدا در روی زمین و فرمانروائی مومنین انتخاب گردید.

ابوبکر سپاه اسلامی را بخارج عربستان سوق داد. بطوریکه در بیست و پنج سال بعد از فوت حضرت محمد سوریه - مصر - شمال افریقا - ایران - بین النهرین بصرف مسلمین درآمد.

تا پانصد سال مسلمین فرمانفرمای ممالک جهان از قسطنطنیه تا روسیه و هندوستان بودند. بر دریاها و کوهها و صحراهای عالم تسلط تام داشتند گوئی منظور مؤسس اسلام که استقرار سلطنت الهی در روی زمین بود عملی گردید. لکن این پیشرفت در دروازههای شهر وین متوقف ماند و دوره انحطاط شروع شد. در قرن هفتم هجری مغول از مشرق هجوم آورده و چنگیزخان با قبایل وحشی خود سطح زمین را میدان غارت و چپاول قرار داد. هلاکوی مغول مانند گرگ خونخوار بر بغداد تاخته آن شهر را بیاد غارت داد و خلیفه را بقتل رسانید. با کشف قاره امریکا



یکگانگی و وحدت کلیه اعراب است بکلی از اسلام جدا شده و با وجودیکه مغرب زمینی‌ها مایلند که امال و ارزوهای اعراب را در خصوص توحید کلیه ممالک عمومی عالم جز خواب و خیال چیزی ندانند .

و ظاهراً هم هنوز کاربان درجه نرسیده است که این ارزوها بتحقیق برسد، ولی معذک حقیر شمردن نیروی ملل عرب امری خطرناک است. پوشیده نیست که دولت انگلیس نظر به صمیمیت روابط خود با ملت عرب اتحادیه ملل عرب را با خوشبینی تلقی خواهد نمود از این رو مستر ایدن وزیر امور خارجه در ۲۹ مه ۱۹۴۱ چنین اظهار داشت .  
« ملت عرب در جنگ گذشته تا کنون پیشرفت‌های شایانی نموده باز عده‌ای از متفکرین اعراب - خواهان اتحاد و یکگانگی بیشتری هستند . برای نیل بدین وحدت و یکگانگی طالب حمایت و کمک انگلستان میباشند . بدیهی است که هیچ تقاضای آنها بی جواب نمانده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با هر طرحیکه مورد تصویب همگی واقع شود موافق خواهد بود .»

اهمیت این کتاب برای خوانندگان اینست که توسعه و ازدیاد مسلمانان را در امریکا و اروپا خاطر نشان میسازد .  
تنها در اروپا مسلمانان یوگوسلاوی ۱،۵۰۰،۰۰۰ و البانی ۷۵۰،۰۰۰ بلغارستان ۸۰۰،۰۰۰ رومانی ۲۰۰،۰۰۰ یونان ۱۵۰،۰۰۰ فرانسه ۱۵۰،۰۰۰ لهستان ۱۲۰،۰۰۰ نفر میباشند . بدیهی است که در سایر ممالک اروپائی نیز عده مسلمان بسیار است .

در روسیه شوروی عده مسلمین به بیست و پنج میلیون میرسد و این جماعت اگرچه در آغاز اشکالاتی در توفیق شریعت با مرام بلشویکی میدیدند لکن امروز با حفظ شخصیت اسلامی خود مقاصد رژیم را هم پذیرفته اند و بهیچوجه مخالفتی ندارند . ممالک متحده امریکای شمالی چندین صد هزار سکنه مسلمان دارد اما در جمهوری‌های امریکای جنوبی مهاجرین که از خاور نزدیک رفته اند بیشتر اعراب مسیحی هستند . امروز شماره آنها به چهار صد هزار تن میرسد که اکثر از سوریه هجرت اختیار نموده اند بسی از عربهای مقیم امریکا بیالاترین درجه ترقی خود نایل شده اند و مطبوعات

انها در اعراب ساکن شرق نزدیک تأثیری بسزا دارد .  
دکتر طه حسین در مقاله ایکه راجع بتوسعه اسلام در مصر نگاشته کاملاً حق مطلب را ادا نموده و بدون تردید اظهار داشته است که امروز مصر در راه تجدید حیات خود بنحوی پیش میرود که در تاریخ طولانی او هرگز نظیر آن دیده نشده است .

از زمان ابادی اسکندریه که انرا دوره طلایی ان شهر میتوان شمرد استادان و دانشجویان خارجی بمملکت مصر روی آورده اند چنانکه در واقع فرهنگ مصر را ترکیبی از همکاری و تعاون کشورهای خارجی میتوان محسوب داشت . امروز هم این خاصیت در فرهنگ مصر مثل زمان قدیم باقی است . همانطور که حکمای یونان در زمان پیش با اسکندریه میامدند که تعلیم بدهند یا تعلیم بگیرند و همانطور که در قرون وسطی استادان و دانشجویان عراق و ایران و سوریه و افریقای جنوبی و اندلس برای همین منظور بقاهره میامدند . امروز هم دانشمندان از همه ممالک عالم بقاهره میآیند که درس بدهند و یا درس فرا گیرند .

ولی باید گفت که وضع آنها در حال حاضر با وضع قدیم فرق میکند بیگانگانی که در قرون وسطی بمصر میامدند برای آموختن بعضی شعب علوم بود عادتاً در لغت و فقه مطالعه میکردند که در الازهر و شعبه‌های آن تدریس میکردید . لکن امروز بسی از واردین بقاهره برای این میآیند که در دانشگاه جدید مصر علوم جدید را فرا بگیرند یا تدریس بکنند . تفاوت دیگر هم در میان هست پیش از این محصلین یا استادان فنون بر حسب میل شخصی یا بنا بر اقتضای وسایل مسافرت عازم مصر میشدند لکن امروز سیاحت سیاحان یا تحصیل محصلین تحت نظم و قاعده دقیق در آمده است .

علاوه بر افرادی که مثل زمان قدیم بمیل خود این سفر را اختیار میکنند بسی هستند که بنا بر دعوت دولت مصر و با هزینه این دولت وارد خاک مصر میشوند و اقامت میکنند تعلیم زبان های خارجه و بعضی از شعب علوم جدید دولت مصر را نیازمند ساخته است که جماعتی از دانشمندان اروپائی را بقاهره دعوت نماید تا در

مدارس و بنگاههای فرهنگی درس بدهند و در دانشگاه بتعلیم بپردازند و از این گذشته دانشگاه مصر برای مبادله افکار بعضی از استادان مشهور خارجی را بمصر دعوت میکند که برای مدت کوتاهی دانشجویان را تعلیم بدهند.

کتابی که در این مقاله مورد بحث ماست یعنی (اسلام امروز) بهترین مجموعه است از مقالات مربوط باوضاع اسلام در حال حاضر که بزبان انگلیسی نوشته شده است و مدتهاست ما چنین کتابی نداشته ایم در این کتاب از طرفی با کمال خلوص و محبت اوضاع ممالک اسلامی تشریح و ترقیات آن کشورها مذکور گردیده است و از طرف دیگر استعداد ترقی این ملل در آینده به ثبوت رسیده است.

این کتاب بمنزله خزانهای از افکار جدید است که برای سیاسیون خاور نزدیک سودمند خواهد بود مخصوصاً رجالی که در دوره بعد از جنگ که سرعت بما نزدیک میشود زمام امور کشورها را در دست خواهند گرفت فایده بسیار خواهد داشت.

نشانی محل فروش این کتاب ذیلاً ذکر میشود تا هر کس بخواهد آنرا مورد استفاده خود قرار دهد.

ترجمه میثاقی

و-ج میکن  
"Islam Today" Edited by A. J. Arberry and Rom Landau (Faber and Faber) price in Egypt 75 piastres.

موضوع دیگر را هم مطرح کنید.

کاغذ خود را در تهران بعنوان نامه آهنگ بانجمن روابط ایران و انگلیس در خیابان فردوسی و در دهلی به نشانی زیر ارسال فرمائید.

دوست شما م . ر . شد  
صندوق پست شماره ۱۶۶ دهلی

چهار چیز هر آزاده را زغم بخرد  
تن درست و خوی خوب و نام نیک و خرد  
هر آنکه ایزدش این هر چهار روزی کرد  
سزد که شاد زید جاودان و غم نخورد

رودکی

## عزیزم



من از روابط معنوی لذت خاص میبرم که تا حدی از خواندن کتاب بدست میآید لکن نه تا آن اندازه که خاطر را قانع کند زیرا بنظر من یک کتاب خوب شبیه بیک عبارت عمومی است که جالب توجه و دیدنی باشد. البته بودن در چنین بنائی کیفیت دارد لکن استراحت خانه خود را در آنجا حس نمیکنیم چون میدانیم بنا عمومی است و نه مال ما تنها. اما صحبت خصوصی یا نامه ای که بشما میرسد مال شماست زیرا گوینده و نویسنده تنها با شما صحبت میکند. باینجهت من از مبادله فکر با اشخاصیکه از تفکر لذت میبرند خیلی محظوظ میشوم.

اگر احياناً شما هم دارای همین احوال و مایل باشید ممکن است راجع بمسائل اجتماعی و فلسفی و ادبی با یکدیگر مکاتبه کنیم. در اینصورت خوب است بزبان انگلیسی بنویسیم چون میترسم زبان مادری یکدیگر را ندانیم.

چنانکه ملاحظه میکنید من در زبان انگلیسی ادیب نیستم هر کله ای را که بدهم رسید مینویسم و دنبال کلمه مناسب تر و جملات دلنبرد نمیگردم. شما هم مثل من هر طور که میتوانید بنویسید و یقین بدانید که زبان انگلیسی را بدینوسیله زودتر تکمیل خواهید کرد.

مطالبیکه با شما مورد بحث قرار بدهم بسیار دارم اما در ابتدا موضوعی را که برای من از همه مهمتر است درمیان میگذارم.

آیا گمان میکنید با ایجاد یک رشته ادبیات بین المللی برای کودکان جهان بتوان صلح عمومی که مورد علاقه اهل عالم است کمکی کرد؟ مثلاً فرض کنید کودکان جهان در ایام خردی همه در کشورهای مختلف یک رشته کتاب بزبان خود بخوانند در اینصورت ناچار بین ساکنین دنیا شباهت فکری ایجاد خواهد شد و اگر کتابهای «کودکان جهان» از بهترین و موثرترین تعالیم نیکی و ترحم و برادری و صلح دوستی ترکیب شده باشد یقین نوع بشر یکدیگر را بهتر شناخته بیشتر دوست خواهند داشت و باسانی باغواهی مردم جاه طلب یا نادان که دنیا را بکینه تویزی و جنگ میکشاند تسلیم نخواهند شد.

اگر با من هم عقیده آید لابد هم موافقید که کتابهای «کودکان جهان» باید از افکار متفکرین قدیم و جدید جهان ترکیب بشود. یکی از آن موضوعاترا که من پیشنهاد میکنم قطعه معروف سعدی شاعر و مرثی مشهور ایران است.

بنی آدم اعضاء یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی بدمرد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بیغمی  
نشاید که نامت نهند آدمی

خواهش دارم بنویسید آیا این قطعه را مناسب میدانید و اگر نه دلایل رد خود را مرفوم دارید. انتظار دارم شما هم به ترکیب کتابهای «کودکان جهان» کمکی فرمائید و ضمناً اگر بخواهید ممکن است.